

Causes of the Formation of Dioceses Nestorian on the Coasts and Hinterlands of the Northern and Southern of Persian Gulf

Fatemeh Qomlaqi^{*}, Rouzbeh Zarrinkoub^{}**

Cyrus Nasrollahzadeh^{*}**

Abstract

The last reign of ancient Iran may be known as the beginning of the formation of Christians colonies in Iran as the population of this religious minority had been added during the Sasanian era by applying some of the policies of the Sasanian court and they had been settled in different part of Iran. Christians afforded to unify and stabilize their position in Iran not only contributed to their participation in various fields such as the economic and social sphere, but also Christians in the shadow of religious tolerance of some Sasanian kings succeeded in establishing churches in Iran. Studying various “written sources” and “archaeological findings” were appeared some Christian colonies which are including the Nestorian dioceses on the coasts and hinterlands of the northern and southern of Persian Gulf in this period such as R v Ardašir, Mish n, Kharg Island, B t Mazon, B t Qatr y , Mašm hig, Sir Baniyas, Darin, Hagar. In this paper the causes of Nestorian dioceses formation have been tried to survey in two parts of Persian Gulf with library study and analytical-descriptive method. The aim of this study is to introduce the Nestorian diocese on

* PhD student of history, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
f.ghomlghi61@yahoo.com

** Assistant Professor of History, Tehran University, Tehran, Iran, zarrinkoobr@ut.ac.ir

*** Associate Professor of Ancient cultures and languages, Institute for Humanities and Cultural studies, Tehran, Irancyrusnasr@gmail.com

Date received: 19/08/2021, Date of acceptance: 14/12/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the both side of the Persian Gulf and to investigate the causes and fields of their formation on the coasts and hinterlands of the northern and southern of Persian Gulf

Keywords: Sasanian, Persian Gulf, Nestorian Christianity, Dioceses, Kharg Island.



زمینه‌های شکل‌گیری اسقف‌نشین‌های نسطوری در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس

فاطمه قملاتی*

روزبه زرین‌کوب**، سیروس نصراله‌زاده***

چکیده

آخرین شاهنشاهی ایران باستان را شاید بتوان آغاز دوره شکل‌گیری کلی‌های مسیحی در ایران دانست چرا که بر جمعیت این اقلیت دینی در دوره ساسانیان با اعمال برخی از سیاست‌های دربار ساسانی روز به روز افزوده تر شد و آنها در نقاط مختلف ایران ساکن شدند. تلاش مسیحیان برای اتحاد و تثبیت موقعیت‌شان در جامعه ایران نه تنها باعث مشارکت و نقش‌پذیری آنها در حوزه‌های مختلف مانند حوزه اقتصادی و اجتماعی شد بلکه مسیحیان در سایه تسامح و مدارای مذهبی برخی پادشاهان ساسانی موفق شدند کلیساهایی مستقل از کلیسای بیزانس در قلمرو ساسانیان برپا کنند. با مطالعه و بررسی "منابع مکتوب" و "یافته‌های باستان‌شناسی" با برخی از کلی‌های مسیحی در این دوره روبرو هستیم که از جمله آنها میتوان به مراکز اسقف‌نشین نسطوری در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس همچون ریوآردشیر، میشان، جزیره خارک، سیرینی یاس و بیت مزون، بیت قطرای، مشماهیگ، دارین و هگر اشاره کرد. در این مقاله

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

f.ghomlghi61@yahoo.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران، zarrinkoobr@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،

Irancyrusnasr@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

بر آن شدیم تا زمینه های شکل گیری اسقف نشین های نسطوری را در دو سوی خلیج فارس با مطالعه کتابخانه ای و روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم. معرفی اسقف نشین های نسطوری در دو سوی خلیج فارس و واکاوی علل و زمینه های شکل گیری آنها در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس از اهداف پژوهش حاضر است.

کلیدواژه‌ها: ساسانیان، مسیحیان نسطوری، اسقف نشین، خلیج فارس، خارک.

۱. مقدمه

عیسی مسیح (ع) در زمان فرهاد پنجم اشکانی (۲پ.م-۴م) متولد شد و مسیحیت در زمان اشکانیان و در سایه بردباری و مدارای مذهبی پادشاهان اشکانی آرام آرام وارد ایران شد. باروی کار آمدن ساسانیان این اقلیت دینی به حیات خود ادامه داد. با وجود این که در برهه‌ای از تاریخ شاهنشاهی ساسانیان مسیحیان مورد تعقیب قرار گرفتند اما زمینه های حضور فعال آنها در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و رشد جمعیتی این اقلیت دینی فراهم شد و این امر تا بدانجا پیش رفت که شاهد شکل گیری مراکز مختلف اسقف نشین نسطوری در نقاط مختلف ایران هستیم، از جمله مناطق بسیار مهمی که مراکز اسقف نشین نسطوری در آنجا وجود دارند صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس است که طبق اطلاعات بدست آمده از منابع مختلف می توان به ریواردشیر و خارک در صفحات شمالی خلیج فارس، بیت مزون، بیت قطرای، مشماهیک، هگر، دارین در صفحات جنوبی خلیج فارس اشاره کرد. لازم به ذکر است که این مراکز خود نشان از گستره سلطه ساسانیان نیز می باشد.

اکنون با توجه به پراکندگی جغرافیایی این مراکز در دو سوی خلیج فارس و پژوهش های متفاوتی که در این حوزه صورت گرفته است، در پژوهش حاضر بر آن هستیم تا به این سوال، زمینه های شکل گیری اسقف نشین های نسطوری در صفحات جنوبی و شمالی خلیج فارس چیست؟ با استناد به منابع کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی پاسخ دهیم. با غور و بررسی "منابع مکتوب" و "داده های باستان شناسی" می توان سه فرضیه را برای پاسخ به پرسش پژوهش حاضر مطرح کرد. فرضیه نخست، سیاست پادشاهان ساسانی مانند اسکان اسرای مسیحیان در داخل ایران بویژه صفحات شمالی خلیج فارس که برای نخستین بار شاپور یکم (۲۷۰-۲۴۰م) آن را اعمال کرد و سپس

پادشاهان قدرتمند ساسانی همچون شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م) و خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱م) و خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰م) آن را دنبال کردند؛ فرضیه دوم: تشکیل شوراهای کلیسایی در ایران که برای نخستین بار در زمان یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۱م) و به درخواست ماروئا اسقف و روحانی مسیحی و البته رهبر هیات مذاکره‌کننده رومی اتفاق افتاد و اسقف‌هایی از نقاط مختلف در این شورای کلیسایی به سال ۴۱۰ شرکت کردند و در نهایت فرضیه سوم مشارکت و نقش‌پذیری اقتصادی مسیحیان است که به‌عنوان تاجر فعالیت می‌کردند و به لحاظ اقتصادی به جایگاهی دست یافتند که در تلاش برای ایجاد شاهنشاهی مسیحی در ایران نیز برآمدند، همگی از عواملی هستند که منجر به شکل‌گیری اسقف‌نشین‌ها در نقاط مختلف و مهم در مسیر تجاری در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس شد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

مقالات متعددی در مورد مسیحیان و رابطه آنها با شاهنشاهی ساسانی به زبان فارسی نوشته شده است اما تا کنون پژوهشی مستقل درباره‌ی معرفی اسقف‌نشین‌های نسطوری و یا زمینه‌های شکل‌گیری آنها در خلیج فارس به زبان فارسی انجام نشده است. پژوهش‌گران و محققان خارج از ایران نیز در مورد هر یک از این اسقف‌نشین‌ها به‌صورت مستقل پژوهش‌هایی را با استناد به یافته‌های باستان‌شناسی و متون سریانی انجام داده‌اند اما علل و مولفه‌های شکل‌گیری اسقف‌نشین‌های نسطوری در دو سوی خلیج فارس را مورد بررسی قرار نداده‌اند. در میان پژوهش‌هایی که به بررسی شرایط مسیحیان و اسقف‌نشین‌های نسطوری پرداخته‌اند می‌توان به کتاب دو جلدی "ذنبیل تی. پاتس" که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد^۱ و در آن بخش‌های مختلف خلیج فارس در دوره‌ی باستان با استناد به مطالعات باستان‌شناسی بررسی شد، اشاره کرد. اشاره به نقاط مختلف اسقف‌نشین‌های نسطوری یکی از مباحث ارزشمند این کتاب است. مقاله‌ی «هلیر»، سال ۲۰۰۱ در مجله *Journal of Social affairs*^{۱۸} حضور مسیحیان نسطوری را تنها در درون مرزهای کشور کنونی امارات متحده‌ی عربی بررسی کرده است.^۲ "الدرز" به سال ۲۰۰۳ پژوهشی اختصاصی در مورد مسیحیان در منطقه‌ی سیرینی یاس در امارات و کلیسای حفاری شده‌ی آن منطقه انجام داد.^۳ "کارتز" به سال ۲۰۰۸ در مقاله‌ی مجله‌ی *19Arabian Archaeology*

and Epigraphy در مورد حضور مسیحیان در خلیج فارس در سده‌های نخست اسلامی مطالبی طرح کرد بدون آن‌که پیشینه‌ی این موضوع را در دوران ساسانی به تفصیل بررسی کرده باشد.^۴ "ماجدالموتیری" در رساله‌ی دکترای خود به سال ۲۰۱۱ با محوریت بررسی یافته‌های باستان‌شناسی در کشور کویت، به معرفی بسیار مختصر تمام اسقف‌نشین‌های نسطوری پرداخته و قبل از ورود به بحث در بخشی کوتاه ورود مسیحیت به سواحل جنوبی خلیج فارس را طرح کرده است.^۵ "ریچارد پین" به سال ۲۰۱۵ کتابی درباره‌ی شرایط سیاسی و اجتماعی مسیحیان و برخورد آن‌ها با زرتشتیان در دوره‌ی ساسانیان به‌نگارش درآورد و با ارائه‌ی نگاهی نو به موضوع اصلی، وضعیت اسقف‌نشین‌های نسطوری در خلیج فارس را نیز بررسی کرد. نکته شایان توجه در مورد کتاب پین استفاده از منابع و مآخذ فارسی است.^۶

۲. مسیحیان در قلمرو ساسانیان

در ایران زمان ساسانیان مسیحیان در کنار دیگر اقلیت‌های دینی زندگی می‌کردند و در پی اعمال برخی سیاست‌های دربار ساسانی بر جمعیتشان افزوده شد و نخستین جوامع مسیحی در شرق در زمان ساسانیان شکل گرفت (Potts, 1992, Vol2, 241). سیاستی که برخی از پادشاهان ساسانی در جنگ‌ها و در قبال لشکریان مغلوب رومی اتخاذ می‌کردند سیاست جابه‌جایی اسرا و اسکان آنها در ایران بود. آنها با انتقال اسرا به داخل قلمرو خود از این نیروهای تازه وارد در حوزه‌های متفاوت به مانند ساخت و ساز بهره می‌بردند. در میان این اسرا مسیحیان نیز حضور داشتند که در پی اعمال چنین سیاستی وارد قلمرو ساسانیان شدند و کلنی‌های مسیحی را شکل دادند. مسیحیان در ۴ فصل و در طی مراحل متعدد وارد ایران شده و در نقاط مختلف اسکان داده شدند. شاید بتوان گفت هدف ساسانیان از این جابه‌جایی و انتقال نیروی مغلوب افزایش قدرت مالی، صنعتی و البته اقتصادی در مراکز شهری تازه تأسیس بود (Adams 1965:69).

فصل نخست ورود مسیحیان به ایران در زمان شاپور یکم (۲۷۰-۲۴۰م) رخ داد، زیرا شاپور یکم نخستین پادشاهی بود که اقدام به جابه‌جایی و اسکان اسرا در ایران کرد. برای نخستین بار در پی پیروزی شاپور یکم در سومین نبرد خود با رومی‌ها در دهه‌ی ۶۰ سده‌ی سوم میلادی انتقال اسرا به قلمرو ساسانیان صورت گرفت و مسیحیان نیز وارد

ایران شدند، زیرا بخشی از این اسرا مسیحی بوده و در ایالت فارس و در شهر جندی شاپور در ایالت خوزستان که بعدها به یکی از استقرارگاه‌های مهم مسیحیان تبدیل شد، اسکان داده شدند (طبری ۱۳۷۵: ج ۲، ۵۹۰؛ دینوری، ۱۳۸۱: ۷۳؛ Labourt 1904:19). شایان ذکر است که در میان این مسیحیان اسقف مسیحی انطاکیه نیز حضور داشت و ایشان نیز در جندی‌شاپور ساکن شد. افزایش جمعیت مسیحیان و آزادی آن‌ها در انجام اعمال مذهبی سبب شد تا مسیحیان برای خود محلی برای عبادت نیز بسازند (Chronicle of Seert:90; Frye 1984:298).

حضور مسیحیان در ایران هر روز بیشتر شده و به تبع آن مشارکت و نقش‌پذیری مسیحیان در امور اجتماعی و اقتصادی نیز آغاز شده و از سده‌ی چهارم م اسقف‌ها مالیات را از جامعه‌ی مسیحیان میان رودان و خوزستان برای مقامات ساسانی جمع‌آوری می‌کردند و نمونه‌ی این امر در زمان شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) رخ داد. شاپور دوم به شمعون برصبعی (Šim un bar Sabba e) (در حدود ۳۲۹-۳۴۱ م) که از او بعنوان دوست شاه نیز یاد شده است (Acts of Symon A 571,767)، دستور داد تا از مسیحیان برای تأمین مخارج جنگ به جمع‌آوری دوبرابری مالیات پردازد (Acts of Symon B 793-801). در پی تمرد شمعون برصبعی از دستور شاپور دوم، دستور تعقیب مسیحیان صادر شد و تعقیب آن‌ها از سال ۳۳۹ م آغاز و تا سال ۳۷۰ م ادامه داشت (Chronicle of Seer :21; Labourt 1904:50; Patterson 2017: 188f; میلز ۱۹۳۱: ۲۷۸-۲۷۶) و شاید بتوان گفت علت تعقیب مسیحیان در این دوره بیشتر سیاسی بود تا مذهبی. در پی این تعقیب عده‌ای از مسیحیان ایران به صفحات جنوبی خلیج فارس مهاجرت کردند و شاید بتوان آن‌ها را نخستین مسیحیان در صفحات جنوبی خلیج فارس دانست. فعالیت اقتصادی آن‌ها که با ورودشان به ایران آغاز شده بود با مهاجرتشان به صفحات جنوبی خلیج فارس دنبال شد، زیرا مسیحیانی که در پی تعقیب شاپور دوم راهی صفحات جنوبی خلیج فارس شده بودند در حوزه اقتصادی مشارکت چشمگیری داشتند و جزء تجاری بودند که در کار تجارت منسوجات و مروارید فعالیت می‌کردند و اکنون به صفحات جنوبی خلیج فارس مهاجرت کردند (Potts 1985: 90-91; Payne 2015:31). از جمله مراکز حضور مسیحیان در صفحات جنوبی خلیج فارس که با فعالیت تجاری مسیحیان بی‌ارتباط نیست مشماه‌یگ است. مشماه‌یگ در ساحل شمالی جزیره‌ی بحرین اشاره می‌کند و منبع صید مروارید است (Potts 1992, Vol.2:150) و شاید بتوان دلیل انتخاب این منطقه توسط مسیحیان را تجارت و صید مروارید بیان کرد.

فصل دوم ورود مسیحیان در پی اقدام پادشاهان ساسانی در زمان شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م) دنبال شد. این پادشاه ساسانی سیاست اجداد خود یعنی شاپور یکم را دنبال کرد و شاپور دوم در پی پیروزی اش به سال ۳۶۰ م درنبرد با رومی ها نه هزار اسیر را از میان رودان به خوزستان منتقل کرد. در میان این اسرا عده‌ی زیادی مسیحی نیز حضور داشتند (میلز ۲۸۰:۱۹۳۱؛ Boucharlat & Salles 1981:70) شاپوردوم این اسرا را در شهر ایران‌خوره شاپور و ایران شهر شاپور جای داد (ثعالبی ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۲) و باز هم بر تعداد مسیحیان ایران افزوده شد.

فصل سوم اسکان اسرا در زمان خسرو یکم معروف به انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱م) و در پی پیروزی بر امپراطور روم آغاز شد. خسرو انوشیروان در انطاکیه دستور ساخت شهر "به از اندیو خسرو" یا "رومیه" را داد تا اسرای انطاکیه در این شهر اسکان داده شوند. اداره‌ی امور اسرا نیز بر عهده‌ی شخصی به نام براز نهاده شد. براز از مسیحیان اهواز و بعنوان رئیس پیشه وران این شهر مشغول فعالیت بود (پیگولوسکایا ۲۲۶:۱۳۷۲؛ طبری ۱۳۷۵: ج ۲، ۶۴۹). در طی حکومت خسرو انوشیروان، شاهنشاهی ساسانی با قدرت‌گیری اقتصادی مسیحیان و افزایش چشمگیر مسیحیان در ایران روبرو شد و شاهد این مدعا، تلاش مسیحیان برای روی کار آوردن یک سلطنت مسیحی در ایران است و دلیل این امر نیز شورش انوشزاد پسر خسرو از همسر مسیحی اش است. انوشزاد به دلیل تمایل به کیش مادرش در زندانی در جندی شاپور زندانی شد. او با انتشار خبر بیماری شاه در پی لشکرکشی وی به سوریه به همراه زندانیان در زندان شورش کرده و با فرار از زندان به میان مسیحیان جندی شاپور آمد و راهی میان رودان شد. خسرو انوشیروان که به واسطه نامه فرماندار شهر تیسفون از این شورش مطلع شد دستور دستگیری و سرکوب شورشیان را صادر کرد. انوشزاد دستگیر و دوباره زندانی شد. (دینوری ۱۳۸۱: ۹۸-۹۹؛ شاهنامه ۱۳۸۴: ۱۰۹۵-۱۰۹۰). حضور مسیحیان در کنار انوشزاد بیانگر تلاش آن‌ها برای تشکیل یک سلطنت مسیحی نسطوری در ایران است که به ثمر نرسید (Payne 2015:195ff). شاید بتوان گفت مسیحیان در پی افزایش قدرت اقتصادی خود تلاش می کردند تا حکومت را نیز در اختیار بگیرند و در این میان چه کسی مناسب تر از انوشزاد که هم گرایشات مسیحی داشت و هم از تخمه شاهی بود.

فصل آخر و چهارم جابجایی و اسکان اسرا در زمان خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰م) و در طی چهار مرحله انجام شد. با کشته شدن امپراطور موریس (۵۳۹-۶۰۲م) حامی و پدرزن خسرو پرویز به دست فوکاس روابط ساسانیان و امپراطوری روم به تیرگی گرایید و همین امر مشکلاتی را برای مسیحیان به وجود آورد (کولسنیکف ۲۵۳۵: ۱۷۴؛ دینوری ۱۳۸۱: ۱۲۱) و جنگ ساسانیان و روم از سر گرفته شد. در طی جنگ‌های ایران و روم از سال ۶۰۶ تا ۶۱۴ در ۴ مرحله اسرای مختلف وارد ایران شده و در شهرهای گوناگونی چون همدان اسکان داده شدند. در میان این اسرا اسقف جان (John) وارد ایران شده و در همدان ساکن شد و در سال ۶۱۴ با فتح اورشلیم، سراسقف و صلیب مقدس مسیحیان نیز وارد ایران شد و با این جابه‌جایی‌ها جمعیت مسیحیان ایران در زمان خسرو پرویز باز هم افزایش یافت (Sebeos 1904:69; Theophanes 1883-85, Vol.1: 293-295). در ادامه‌ی حضور مسیحیان در ایران و حمایت ساسانیان از فرقه نسطوری در ایران و افزایش جمعیت آن‌ها و حضور مسیحیان در امور مختلف اجتماعی و اقتصادی ایران، تلاش آن‌ها برای تشکیل یک حکومت مسیحی در ایران تنها به زمان خسرو انوشیروان و شورش انوشزاد ختم نشد، بلکه بعد از مرگ خسرو پرویز و به سال ۶۲۸ م این تلاش از سر گرفته شد. هراکلیوس (۶۱۰-۶۴۱م) از سال ۶۲۹ م با شهربراز- سردار معروف ساسانی- دیدار کرد. شهربراز در طول حیات خود با مسیحیان دل‌بستگی و وابستگی داشت و نام پسر خود را نیز نیکتاس (Niketas) انتخاب کرد. شاید به همین دلیل بود که هراکلیوس موافقت کرد ارتشی رومی در برابر اردشیر سوم (۶۲۹-۶۲۸ م) در اختیار این سردار ساسانی قرار دهد تا بدین وسیله بتواند خاندان سلطنتی مسیحی را به جای زردشتی در ایران به روی کار آورند. موفقیت این سردار ساسانی در سایه‌ی حمایت روم دو ماه بیشتر به طول نینجامید و مسیحیان در ایران به قدرت برتر سیاسی تبدیل نشدند. آنچه که از این اقدامات مستفاد می‌شود رابطه‌ی بین سلطنت و مذهب در سده‌ی هفتم میلادی و تلاش مسیحیان برای رسیدن به سلطنت در ایران است (Payne 2015:197). با وجود اینکه مسیحیان در ایران موفق به دست‌یابی به تاج و تخت نشدند اما توانستند موقعیت خود را در ایران تثبیت کرده و شوراهایی را تشکیل داده و از کلیسای روم مستقل شوند و در سایه حمایت ساسانیان قرار گیرند که در ادامه به این مهم می‌پردازیم.

۳. تشکیل شوراهای کلیسایی و رسمیت یافتن فرقه نسطوری در ایران

با ورود جمعیت مسیحی به داخل ایران در پی اعمال سیاست جابجایی توسط پادشاهان ساسانی نه تنها جمعیت آنها افزایش یافت، بلکه تمایل به مسیحیت نیز بیشتر شده (دریایی، ۱۳۸۳:۵۰) و حتی دگرگونی های جمعیتی در برخی نقاط ایران رخ داد. این اقلیت مذهبی در جامعه ایران در تلاش برای بهبود موقعیت اجتماعی و سیاسی و اتحاد خود در قلمرو ساسانیان بودند و به این مهم در زمان یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۱م) دست یافتند. یزدگرد یکم بعد از صلح با رومی ها، هیئت امپراطور روم شرقی به رهبری ماروثا (Marutha) اسقف میافارقین که علاوه بر مقام روحانی، پزشک نیز بود را به حضور پذیرفت (Chronicle of Seert, 21; Labourt 1904:93). ماروثا که به دلیل چهره موقر و درمان بیماری شاه مورد توجه پادشاه ساسانی قرار گرفته بود فرصت را مغتنم شمرده و دو درخواست خود را نزد پادشاه ساسانی مطرح کرد. یزدگرد یکم که با اقلیت های مذهبی به تسامح و مدارا بر خورد می کرد با دو درخواست این پزشک روحانی موافقت کرد و نه تنها فرمان آزادی مسیحیان را اعلام کرد بلکه اجازه داد تا مسیحیان شورایی را برای تنظیم امور کلیسایی خود برگزار کنند. در پی تشکیل این شورای کلیسایی به سال ۴۱۰، اختلاف و جدایی مسیحیان داخل قلمرو ساسانیان پایان یافت و در همین شورا قوانینی نیز برای آنها وضع شد. اسحاق اسقف سلوکیه تیسفون نیز به ریاست کلیساهای سراسر شرق منصوب شد. در نتیجه برگزاری این شورا مسیحیت ایران به ایالت هایی با یک سراسقف تقسیم شد (فرای ۱۳۸۹: ۲۴۳؛ نولدکه ۱۳۵۸: ۱۴۲-۱۴۱؛ آسموسن ۱۳۸۷: ۳۷۴؛ Buck 1995:54; Chronicle of Seert:32) که وجود سراسقف در هر یک از این مراکز نشان از جمعیت مسیحی قابل توجه آنها دارد. از جمله مراکز اسقف نشین در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس که در این شورا حضور داشتند می توان به فرات میشا بیت قطرای (B t Qatry)، بیت مزون (B t Mazon)، دارین (Darin)، مشماهیک و هگر (Hagar) اشاره کرد که در این شورا اسقف هر یک از مراکز مذکور حضور داشتند.

فرات میشان در صفحات شمالی خلیج فارس مرکز اسقف نشین نسطوری در میشان بود و ساسانیان به میشان به دلیل همین مرکز اسقف نشینی و برای نظارت بر مسیحیان که بعنوان تاجر در آنجا به فعالیت مشغول بودند و نیز مدیریت و توسعه تجارت

دریایی و رونق پس کرانه‌های خلیج فارس اهمیت بسیاری داده و در آن‌جا شهرهایی نیز ساختند (مارکوارت، ۹۰:۱۳۷۳).

اسقف یک ایالت کلیسای نسطوری در شرق عربستان و در صفحات جنوبی خلیج فارس بیت قطرای بوده و در این شورا حضور داشت (Synodicon Orientale 273) محدوده‌ی جغرافیایی بیت قطرای از قطر تا کویت است و شرق عربستان سعودی و بحرین را هم دربر می‌گرفت و از سده‌ی چهارم اسقف‌نشین‌هایی در آن‌جا وجود داشتند. (Potts 1992 Vol2:244). کارتر بر این باور است که بیت قطرای از میانه سده چهارم میلادی دارای صومعه بود و از اوایل سده‌ی پنجم میلادی دارای کرسی‌های اسقفی بود، این امر نشان می‌دهد که این منطقه تحت کنترل ساسانیان بوده است چرا که در زمان یزدگرد یکم اسقف‌نشین‌هایی در صفحات جنوبی خلیج فارس شکل گرفت (Hellyer 2001,90; Carter) (2008:71,101; Potts 1992, Vol2:243).

یکی دیگر از ایالات اسقف‌نشین که هم مرز با بیت قطرای بوده مزون نام دارد و شاید بتوان مرز این دو ایالت را درجایی بین صحار و قطر قرارداد (Carter 2008:101). نخستین حضور مزون به‌عنوان یکی از ایالت‌های مطران‌نشین در نخستین شورای کلیسایی در زمان یزدگرد یکم به سال ۴۱۰م است. (Synodicon Orientale,285). مزون یا عمان یکی از مهم‌ترین ایالات ساسانیان در صفحات جنوبی خلیج فارس به شمار می‌آمد، زیرا مزون یکی از مهم‌ترین سکونتگاه‌های بندری برای تجارت بوده و تجار در دو مسیر دریای هند و شرق آفریقا از سکونتگاه‌های بندری مزون استفاده می‌کردند (Yule,2017:8) که با گسترش مسیحیت در صفحات جنوبی خلیج فارس به‌ویژه مسیحیت نسطوری در سده‌ی پنجم م به یک ایالت مطران‌نشین تبدیل شد و به بیت مزون شهرت یافت (Synodicon Orientale:482). در کنار بیت قطرای و بیت مزون حاضر در شورای کلیسایی سال ۴۱۰م اسقف‌های مشماه‌یگ و دارین نیز از صفحات جنوبی خلیج فارس در این شورا حاضر بودند و اصلاً نخستین‌بار در سال ۴۱۰ میلادی با مشماه‌یگ و اسقفش به نام بتای (Betai)^{viii} روبرو می‌شویم (Chronicle of Seert,35). همانگونه که در بالا بدان اشاره شد مشماه‌یگ منبع صید مروارید است و شاید بتوان دلیل انتخاب این منطقه توسط مسیحیان را تجارت و صید مروارید بیان کرد. اسقف دیگری که در شورای کلیسایی ۴۱۰م حضور داشت اسقف هجر است. هجر که به عربی هجر (Hajar) می‌گویند، نام سریانی است که برای شهر قدیم

بحرین به کار میرفت (نولدکه ۱۳۵۸: ۱۳۰) که در شمال شرقی عربستان در سواحل جنوبی خلیج فارس و در مجمع‌الجزایر بحرین قرار دارد. هگر به شهر درون مرزی بحرین اشاره دارد که احتمالاً در هفوف در واحه الاحسا و یا شهر تاج در ۹۰ کیلومتری جیل در عربستان است. (Carter 2008:101f; Bin Seray 1996:321,323) لازم به ذکر است که مشماه‌یگ و هگر از تقسیمات ایالت بحرین در دوره ساسانیان به شمار می‌روند و هر یک از آن‌ها بطور مستقیم توسط ساسانیان اداره می‌شدند و جزیره بحرین و سواحل آن توقفگاه اصلی کشتی‌هایی بودند که در مسیر دریای سرخ، سیلان و هندوستان حرکت می‌کردند. (وئوقی، ۳۸: ۱۳۸۹)

اسقف دارین نیز در این شورا حضور داشت. دارین امروزه یک روستا در جزیره‌ی تاروت در مقابل قطیف است. این نام به صورت‌های گوناگون دیرین، دیرن، دارای (Dayrin, Diren, Darai) نوشته و خوانده می‌شود^{viii} اسقف دارین به همراه اسقف تودورو (Todoro) در شورای کلیسای سلوکیه‌ی تیسفون در سال ۴۱۰ م نیز حضور پیدا کرد (Potts 1992 Vol2:150 ; Synodicon Orientale 344,479). همه‌ی این مراکز و ایالات مسیحی‌نشین حاضر در شورا ملزم به موافقت با تصمیمات اتخاذ شده از سوی شورا بودند (آسموسن ۳۷۵:۱۳۸۷) و شاید بتوان گفت در طی برگزاری این شورا برای نخستین بار مسیحیان موفق شدند اتحاد خود را در قلمرو ساسانیان بدست آورده و موقعیت اجتماعی خود را بعنوان اقلیت دینی در شاهنشاهی ساسانی تثبیت کنند.

در ادامه‌ی تشکیل شوراهای کلیسای در قلمرو ساسانیان شورای کلیسای دیگری در سال ۴۲۴ م و در زمان شاهنشاهی بهرام‌گور (۴۲۰-۴۳۸ م) برگزار شد. دادیشوع این شورا را تشکیل داد و در آن ۳۶ اسقف در روستای کوچک مارکبتای عرب (Markobta of the Arabs) حضور داشتند. نتیجه‌ی این شورا تصویب موضوع مهم استقلال کلیسای ایران از کلیسای انطاکیه بود. لازم به ذکر است که علاوه بر آن ۳۶ اسقف، اسقف شهرهایی چون مرو، هرات، ایالت‌های اصفهان و در این شورا شرکت کردند. اسقف مزون یا عمان نیز به مانند حضور در شورای کلیسای سال ۴۱۰ م در این شورا نیز حضور داشت. (Potts 1992, Vol2:243). لازم به ذکر است در سال ۴۱۰ م که برای نخستین بار شورای کلیسای در قلمرو ساسانیان تشکیل شد، فقط از پنج ایالت کلیسای نام برده شده که در زمان فعالیت اسقف مار ایساک فعالیت می‌کردند. اما در سال ۴۲۴ م زمانی که اسقف

زمینه‌های شکل‌گیری اسقف‌نشین‌های ... (فاطمه قملاتی و دیگران) ۲۳۳

دادیشوع تشکیل جلسه داد و نسطوریت به فرقه‌ی دینی مسیحیان ایران تبدیل شد، ریواردشیر در صفحات شمالی خلیج فارس به‌عنوان ششمین ایالت به پنج ایالت کلیسایی قبلی افزوده شد (Potts 1992, Vol2:244)

ریواردشیر شهری بندری نزدیک بوشهر در فارس در جنوب سرزمین ایران کنونی است. این شهر را اردشیر یکم بنا کرد (طبری ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۸۵) و شهر مزبور در زمان طفولیت شاپور دوم مورد حمله‌ی اعراب قرار گرفت، اما دوباره مرمت شد، چرا که از سده‌ی پنجم م به بعد مقر اسقف اعظم نسطوری‌ها در فارس بود. (Whitehouse & Williamson 1973:40). در ریواردشیر پارس هم دو کلیسا وجود داشت که هر دو با زبان‌های یونانی و سریانی سخن می‌گفتند. تا پایان سده‌ی ششم م کلیسای نسطوری پارس غیر از ریواردشیر شش اسقف‌نشین دیگر در شهرهای اصلی پارس داشت. حوزه‌ی اداری اسقف‌نشین پارس محدوده‌ی گسترده‌ای را دربر می‌گرفت که از شمال آفریقا (جزیره‌ی سوکوترا) در نزدیکی عدن) و شمال شرق عربستان تا جنوب هند را شامل می‌شد و همین امر خود گستره وسیع قلمرو ساسانیان و وسعت سلطه آنان را نشان می‌دهد. مطران ریواردشیر نه تنها مسئول ایالت فارس بود بلکه پاسخ‌گوی کلیسا در هند و فراسوی آن نیز بود (میری ۱۳۹۵: ۱۶۴، Whitehouse & Williamson 1973:43؛ آسموسن ۱۳۸۷: ۱۳۷).

در حدود ۶۰ سال بعد و به سال ۴۸۴ م شورای کلیسایی بسیار مهمی در جندی شاپور (بیت لاپاط) به ریاست آکاسیاس تشکیل شد و در این شورا جایز بودن ازدواج کشیشان و اسقفان تصویب شد (آسموسن، ۱۳۸۷: ۳۹۰)، در راستای این تحولات و از زمان پیروز (۴۸۴-۴۵۹ م) مسیحیت دچار انشعاب شده و به دو فرقه‌ی نسطوری و یعقوبی تبدیل شد و در سال ۴۸۴ م و در اواخر سلطنت پیروز فرقه‌ی نسطوری به عنوان اصول اعتقادی کلیسای ایران رسمیت یافت و نسطوریت شکل مسلط مسیحیت در شاهنشاهی ساسانی شد (فرای ۱۳۸۹: ۲۴۷ و ۲۴۳؛ آسموسن ۱۳۸۷: ۳۷۴؛ Buck 1995:54; Chronicle of Seert:31,32).

اما استقلال کامل مسیحیان ایران از کلیسای روم با روی کار آمدن بلاش (۴۸۴-۴۸۸ م) بعد از پیروز به سال ۴۸۴ م رخ داد، چرا که به سال ۴۸۶ م شورای سلوکیه به ریاست آکاسیوس تشکیل جلسه داد و در این شورا بود که نسطوریت به تنها فرقه‌ی مورد تأیید مسیحیان ایران تبدیل شد و نسطوری‌ها تحت حمایت پادشاهان ساسانی قرار گرفتند.

۴. یافته‌های باستان‌شناسی از مراکز اسقف‌نشین

با افزایش جمعیت مسیحیان در ایران کلنی‌های مختلف و اسقف‌نشین‌های در دو سوی خلیج فارس شکل گرفت و به برخی از آنها که در شورای کلیسایی سال ۴۱۰م حضور داشتند در بالا اشاره شد. علاوه بر این مراکز شواهد باستان‌شناسی از این کلنی‌های مسیحی در نقاطی از خلیج فارس قابل مشاهده است که در مسیر تجارت دریایی قرار دارند. از جمله این آثار می‌توان به وجود کلیساها، قبرها و صلیب‌های یافت شده در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس اشاره کرد.

یک کلیسا در جزیره خارک در صفحات شمالی خلیج فارس قرار دارد. جزیره خارک در منتهی‌الیه شمالی خلیج فارس و در فاصله‌ی ۵۵ کیلومتری شمال غربی بندر بوشهر امروزی در داخل مرزهای ایران قرار دارد و از هزاره‌ی یکم پیش از میلاد مسکونی بود (Borjian 2015). این جزیره محل سکونت مسیحیان نسطوری و منوفیزیت بود و در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰م گیرشمن یک کلیسای بزرگ را در این جزیره حفاری کرد. این کلیسا خود سندی دال بر حضور مسیحیان در صفحات شمالی خلیج فارس است. با وجود تاریخ‌گذاری متفاوت برای این کلیسا گیرشمن که خود این کلیسا را بر ملا ساخت بر اساس تزیینات کلیسا تاریخ آن را به سده‌ی پنجم و یا ششم م می‌رساند (Ghrishman 1965:21).

در جزیره‌ی خارک نه تنها کلیسا بیانگر حضور یک جامعه‌ی مسیحی است، بلکه قبرهای متعدد با صلیب‌های حک شده بر مدخل ورودی هر یک از آنها دلیل دیگری برای اثبات این مدعا است. شصت قبر مسیحی در حدود سال ۲۵۰م در خارک در خلیج فارس بنا شد (آسموسن ۱۳۸۷:۳۷۱). صلیب‌های قبور جزیره‌ی خارک به سبک صلیب‌های نسطوری است و گیرشمن نیز این صلیب‌ها را متعلق به جامعه‌ی نسطوری می‌داند. جزیره خارک یکی از سکونتگاه‌های بندری فعال در حوزه تجارت دریایی بود چرا که این جزیره سکونتگاه بندری کشتی‌های تجاری بود که بین هند، راس خلیج فارس و سکونت‌گاه بندری ابله در حرکت بودند (Borjian, 2015:1; Boucharlat & Salles, 1981:70-71). به دلیل همین موقعیت مهم اقتصادی پالمیری‌ها در خارک به تجارت مشغول بودند که قبور آن‌ها در خارک خود سندی دال بر حضور پالمیری‌ها در این جزیره است. این احتمال وجود دارد که با روی کار آمدن ساسانیان و کوتاه شدن دست پالمیری‌ها از تجارت این منطقه مسیحی‌های ساکن در این جزیره مبادرت به انجام تجارت در مسیر خارک و

خلیج فارس کرده‌اند و قبور با صلیب‌های نسطوری نیز آثار و بقایای آنها می‌باشد، چراکه مسیحی‌هایی که در غالب موارد نسطوری بودند - همانطور که در بالا اشاره شد نسطوری‌ها از زمان رسمی شدن فرقه نسطوری در ایران تحت حمایت پادشاهان ساسانی بودند- به تجارت مشغول بودند و کلیسای خارک که گیرشمن زمان آن را سده پنجم م و یا ششم م می‌داند نیز خود بیانگر حضور مسیحیان نسطوری در خارک در دوره ساسانیان است.

نه تنها در جزیره خارک که سکونتگاه بندری کشتی‌های تجاری است، بلکه در سیربنی یاس که در کنار اددور، کوش و خط چهار منطقه ساحلی را در امارات امروزی تشکیل می‌دادند که تحت نفوذ ساسانیان بود و آنها از این طریق بر مسیرهای ساحلی و پس کرانه‌ای نظارت مستقیم داشتند، بقایای کلنی‌های مسیحی وجود دارد. سیربنی یاس در غرب ابوظبی واقع شده است و در سال ۱۵۹۰ برای نخستین‌بار از این منطقه در متون اروپایی با عنوان جزیره‌ای که در آن مروارید یافت می‌شود، یاد شده است (Beech 2009, 100). در شرق سیربنی یاس منطقه‌ای با عنوان الخور قرار دارد. الخور برای نخستین بار به سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین سایت‌های حفاری شده در الخور سایت‌های SBY3 و SBY9 است. آثار و بقایای مسیحیان در این سایت‌ها بدست آمده است. صلیبی در سایت SBY9 کشف شد و در سال ۱۹۹۴ در سایت‌های SBY3 و SBY9 کلیسایی کشف شد. این کلیسا ۱۱ متر طول و ۱۶ متر عرض دارد^{۱۶} تاریخ آن از سده پنجم تا سده هشتم میلادی است. در این منطقه کلیسایی وجود دارد که تزئینات گچ‌بری آن صلیب‌های نسطوری است که بیانگر حضور مسیحیان نسطوری در این منطقه است. صلیب‌های به‌دست‌آمده از این منطقه مشابه صلیب‌های به‌دست‌آمده از جزیره خارک و فیلکه در کویت است که برنارد و سالز (V. Bernard & J.F. Salles) در سال ۱۹۹۰ آن را حفاری کردند. کلیسای نسطوری سیربنی یاس در امارات کنونی تحت امر مطران‌نشین ریواردشیر در صفحات شمالی خلیج فارس بود (Hellyer, 2001:91). بقایای کلیسا بر حضور مسیحیان در این منطقه در زمان ساسانیان و نفوذ ساسانیان در این منطقه دلالت دارد (Kennet 2007:89). نه‌تنها کلیسای کشف‌شده در سیربنی یاس بیانگر حضور مسیحیان نسطوری در این منطقه است بلکه کشف صلیب در سیربنی یاس نخستین سند در این منطقه درباره‌ی حضور مسیحیان در دوره پیش‌ازاسلام است. یک گروه از سازه‌ها در منطقه‌ی الخور در سیربنی یاس رابطه نسطوریان

این منطقه را با دیگر مراکز نسطوری در منطقه و ایالت‌های کلیسای نسطوری در خلیج فارس بیان می‌کند. صلیب‌های مسیحی الخور مشخص‌کننده‌ی سایت نسطوری شرقی است که تا به حال در صفحات جنوبی خلیج فارس به ثبت رسیده‌اند (King et al, 1995:70-72). از یک راهب به نام جونا (Jonah) که در زمان کاتولیکوس بارباشیم (Catholicus Barbashmin) (۳۴۶-۳۴۳ م) زندگی می‌کرد، گزارشی وجود دارد. جونا در زندگی‌نامه‌ی خود خبر از ساخت یک صومعه در ساحل جزیره‌ی سیاه می‌دهد. پژوهش‌گران جزیره‌ی سیاه را بین جزایر قطر و عمان جستجو کرده‌اند. نکته‌ی شایان توجه این است که جزایر خارج از ساحل ابوظبی به مانند مکان صومعه‌ای است که جونا آن را بنا نهاده است. مطالعات و کشفیات اخیر محل صومعه‌ی جونا را جزیره‌ی سیربنی یاس می‌داند اما صومعه‌ی دیگر که شاید همان صومعه جونا باشد احتمالاً در جزیره‌ی مراوه است (Beech 1996:234; Bin Seray 1992 Vol2:245; Potts 1997: 56; Potts 2009:109).

با توجه به این که مسیحیت در سده‌ی پنجم و ششم میلادی به منطقه‌ای که امروزه امارات نام دارد، رسید و اکثر محققان زمان کلیسا را از سده‌ی ششم میلادی تخمین زده‌اند و مسیحیت نسطوری مهم‌ترین عنصر دینی این منطقه در زمان ساسانیان است (Potts 1997:59; Elders 2001: 56) می‌توان گفت که این کلیسا در دوره‌ی ساسانیان بنا شده و یافته‌های سیربنی یاس احتمالاً بیانگر این مطلب است که سکنه‌ی کلیسا با دیگر مناطق خلیج فارس و خاور نزدیک در ارتباط بودند (Hellyer 2003: 51).

با توجه به سفال‌های به دست آمده‌ی دوره‌ی ساسانی از این منطقه و از آنجایی که ساسانیان صفحات جنوبی خلیج فارس را در اختیار داشتند و حامیان مسیحیت نسطوری نیز به‌شمار می‌آمدند، می‌توان پذیرفت که کلیسای سیربنی یاس با توجه به آن‌چه کارتر و الدرز می‌گویند در دوره‌ی ساسانیان بنا شده است و از آنجایی که در این منطقه مروارید یافت می‌شد و مروارید یک کالای لوکس در دوره‌ی ساسانیان برای تجارت به‌شمار می‌آمد و چون اکثر جوامع مسیحی نسطوری در سواحل قرار داشتند چندان دور از ذهن نیست که اکثر تجار، مسیحیان نسطوری بودند که در این مناطق و در مسیر تجارت دریایی زندگی می‌کردند.

در کنار جزیره خارک و سیربنی یاس سه سایت باستان‌شناسی در درون مرزهای کویت امروزی شناسایی شده است. دو سایت در القصور در جزیره‌ی فیلکه و یک سایت در

جزیره عکاظ قرار دارد. جزیره‌ی فیلکه در دهانه‌ی خلیج کوچک کویت در ۲۰ کیلومتری ساحل شهر کویت قرار دارد و سایت القصور در مرکز این جزیره در فاصله‌ی ۱/۵ کیلومتری دریا واقع شده است و این سایت محوطه‌ای در حدود ۱۴۴ هکتار را دربر می‌گیرد (Kennet 2004: 97). نخستین حفاری‌ها در القصور توسط هیئت ایتالیایی در دهه‌ی ۱۹۷۰ انجام شد. در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ یک کلیسا به نام A1 از زیر خاک نمایان شد. تاریخ کلیسا سده‌ی ششم تا هفتم میلادی است و در اطراف کلیسا مناطق مسکونی وجود دارد که تاریخ روستا و ساختمان‌های آن به سده‌ی هفتم و هشتم میلادی می‌رسد. نشانه‌هایی از مواد ساسانی در سایت القصور یافت شده است. این احتمال وجود دارد که به دلیل ورود اسلام کلیسا بعد از سده‌ی هفتم میلادی قداست خود را از دست داده باشد (Almutairi 2011:268,270). کلیسای فیلکه مانند کلیسای خارک تحت امر مطران‌نشین ریواردشیر بود (Potts 1997:59-60). فعالیت کلیسای القصور کویت به تاریخ سده‌های چهارم و پنجم میلادی و هشتم و نهم میلادی است (Friestad 2016:25-27,31-32) علاوه بر این کلیسا کلیسای دیگری در سال ۲۰۰۸ کلیسای دیگری در القصور به نام کلیسای A2 کشف شد. معماری این کلیسا مشابه کلیسای سیر بنی یاس SBY9 است (Almutairi 2011:268-276). با بقایای انسانی که در کلیساهای جزیره‌ی خارک، القصور و قبری در عکاظ یافت شده است می‌توان گفت که این کلیساها در بافت فرهنگی مشابهی فعالیت می‌کردند (Friestad 2016:37-38).

سایت دیگری نیز در عکاظ حفاری شده است. عکاظ در بیرون شهر کویت و در بندر شویخ (Shuwaikh) قرار دارد. نخستین حفاری‌های صورت گرفته در این سایت به رهبری تیم مشترک اردن و کویت در سال ۱۹۷۸ بود. تیم کویت در طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵ به حفاری‌ها ادامه داد و تیم فرانسوی کویتی در سال ۱۹۹۳ ادامه‌ی کار را برعهده گرفت. در طی سال ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ یک تکه گچ‌بری با صلیب حک شده بر رویش به دست آمد و هیئت باستان‌شناسی به این نتیجه رسیدند که به ساختمانی متعلق به مسیحیان دست یافته‌اند. بعد از ادامه‌ی حفاری‌ها بقایای یک کلیسا به دست آمد. این کلیسا مشابه القصور در فیلکه کویت بود. در قسمت‌هایی از این کلیسا سفال‌های متعلق به دوره ساسانی و اسلامی به دست آمد و تاریخ آن را سده‌ی نهم تا دهم میلادی می‌دانند. (Almutairi 2011:265-266).

علاوه بر مناطق فوق الذکر فعالیت های باستان شناسان در بخش های شرقی عربستان شواهد تازه ای را از حضور مسیحیان نسطوری در این بخش در دوره ساسانیان ارائه می دهد. در جبل بری در شمال شرقی عربستان و در جنوب غربی جبیل دو صلیب برنزی یافت شده است که این صلیب های برنزی منعکس کننده حضور مسیحیان نسطوری در ایالات عربی شاهنشاهی ساسانی هستند. (Potts, 1994: 61ff) در جبیل شهری بندری در شمال ظهران امروزی در شرق عربستان نیز کلیسایی حفاری شده است که هنوز اطلاعات کاملی از آن منتشر نشده است اما اطلاعات نه چندان زیاد این کلیسا بیانگر این مطلب است که گچ کاری های کلیسای جبیل مشابه گچ کاریهای کلیسای خارک است و بیانگر همزمانی این دو کلیسا با یکدیگر می باشد (Langfeldt, 1994: 51) و از آنجایی که کلیسای خارک به سده پنجم و ششم میلادی تعلق دارد شاید بتوان گفت این کلیسا نیز به این دوره تعلق دارد.

تمامی این کلیساها، صلیب ها و قبور موجود دو سوی خلیج فارس نشان از کلنی های مسیحی و فعالیت و نقش پذیری اقتصادی مسیحیان بویژه مسیحیان نسطوری در سایه حمایت و مدارای مذهبی شاهان ساسانی است که در این مراکز به تجارت پرداخته و مناسک مذهبی خود را نیز در این کلیساها بجا می آوردند.

۵. نتیجه گیری

وجود یافته های باستان شناسی چون کلیسای جزیره خارک، سیرینی یاس، القصور، تاج و جبیل، قبور مسیحی با صلیب های نسطوری در جزیره خارک، پیدا شدن صلیب های نسطوری در جبل بری متعلق به سده ششم م و منابع مکتوب در مورد ریوردشیر، پرات میشان، دارین و مشماهیک که خود یکی از مراکز صید مروارید، کالاهای لوکس تجاری در دوره ساسانی است، همه دال بر وجود کلنی های مسیحی و مراکز اسقف نشین نسطوری در زمان ساسانیان در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس است و باید توجه داشت که همه این کلنی ها در مسیر تجارت دریایی قرار دارند. در پژوهش حاضر و در طی بررسی و واکاوی زمینه های شکل گیری اسقف نشین های نسطوری مذکور در دو سوی خلیج فارس به این نتیجه رسیدیم که نخست با اتخاذ سیاست جابجایی اسرا در زمان ساسانیان که در طی پادشاهی شاپور یکم این سیاست اعمال شد و در زمان سه پادشاه

قدرت‌مند دیگر ساسانی یعنی شاپور دوم، خسرو انوشیروان و خسرو پرویز دنبال شد، بر جمعیت مسیحیان ایران افزایش یافت. دوما مسیحیان که با این جابجایی جمعیتی و انتقال اسرا به داخل ایران به یکی از اقلیت‌های بزرگ دینی در قلمرو ساسانیان تبدیل شده بودند در تلاش برای ایجاد اتحاد بین مسیحیان در درون این شاهنشاهی و تثبیت موقعیت خود در جامعه ایران موفق شدند در زمان یزدگرد یکم نخستین شورای کلیسایی را تشکیل داده و اسقف‌نشین‌ها در کلنی‌های مسیحی در دوسوی خلیج فارس صورت رسمی به‌خود گرفت و مسیحیان به یکپارچگی و اتحادی دست یافتند و با رسمی شدن فرقه‌نسطوری در زمان پیروز مسیحیان از حمایت شاهان ساسانی نیز برخوردار شدند و در پی امنیت حاصل از این امر به فعالیت‌های خود در امور مختلف چون اقتصادی و تجاری پرداختند. سوما مسیحیان که غالباً در حوزه اقتصادی فعالیت داشتند و به کارهای تجارتی مبادرت می‌کردند بیشتر در مسیرهایی سکنی گزیدند که مسیر تجارت دریایی بود و با انتخاب چنین مناطقی برای اسکان به سهولت مبادرت به فعالیت‌های بازرگانی و تجارت می‌کردند.

پی‌نوشت‌ها

- i. متاسفانه در این کتاب با تمام ویژگی‌های بسیار خوب علمی و استناد به یافته‌های باستان‌شناسی بزرگ‌ترین تحریف یعنی نام خلیج فارس رخ داده است.
- ii. Hellyer, P., (2001), Nestorian Christianity in the Pre-Islamic UAE and South Eastern Arabia, *Journal of Social affairs*, Vol.18, Number72, 79-98.
- iii. Elders, J., (2003), The Nestorians in the Gulf: just passing through? Recent Discoveries on the Island of Sir Bani Yas, Abu Dhabi Emirate.
- iv. Carter, R.A., (2008), Christianity in the Gulf during the First Centuries of Islam, *Arabian Archaeology and Epigraphy*, Vol.19, 71-108.
- v. Almutairi, M., (2011), *The Archaeology of Kuwait*, A Thesis Submitted in Fulfilment of Requirement for a Phd in Archaeology, Cardiff University.
- vi. Payne, Richard E., (2015), A State of Mixture Christians, Zoroastrians and Iranian Political Culture in Late Antiquity, University of California Press, Oakland, California.
- vii. بتای قبلاً توسط مار ایساکو الیاس طرد شده بود (Potts,1992, Vol2:150).

۲۴۰ تحقیقات تاریخی اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

viii. دارین واقع در جزیره‌ی بحرین و یا بهمان معنی بحرین است و جزیره‌ی دیرین از سرزمین قطر است (نولدکه ۱۳۵۸: ۱۳۱-۱۳۰).

ix. این منطقه توسط دکتر جوزف الدرز (Joseph Elders)، دکتر جان مارتین (John Martin) و دکتر مارک بیچ (Mark Beech) مورد حفاری قرار گرفت

King, G.R.D. 1997. A Nestorian Monastic Settlement on the Island of Sir Bani Yas, Abu Dhabi: a preliminary report, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 60, 1997: 226; Elders, J. , *The Nestorians in the Gulf: just passing through? Recent Discoveries on the Island of Sir Bani Yas*, Abu Dhabi Emirate, 2003. Hellyer , P.(eds), *Proceeding of the first international conference on the archaeology of the United Arab Emirates*, 230-236. Abu Dhabi: Culture Foundation. 2003:230

x. عبدیشوع در میانه‌ی سده‌ی چهارم میلادی از مکانی به نام رمث (Ramath) دیدن کرد که برخی از محققان آن را در القصور کویت قرار می‌دهند، اما پاتس آن را در شمال جبیل می‌داند Potts, 1992:245; Carter, 2008:102.

شیوه ارجاع به این مقاله

قملاقی، فاطمه، زرین کوب، روزبه، نصراله زاده، سیروس. (۱۴۰۰). زمینه‌های شکل‌گیری اسقف نشین‌های نسطوری در صفحات شمالی و جنوبی خلیج فارس. *تحقیقات تاریخی اجتماعی*، ۱۱(۱)

doi: 10.30465/shc.2021.32237.2120

کتاب‌نامه

آسموسن، یس پیتز (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران باستان کمبریج*، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج سوم، قسمت دوم، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر.

آلتهایم، فرانتس (۱۳۶۹)، *کمک‌های اقتصادی در دوران باستان*، ترجمه‌ی امیر هوشنگ امیری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

پیگولوسکایا و نینا ویکتورونا (۱۳۷۲)، *اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم- ششم میلادی*، ترجمه‌ی عنایت اله رضا، تهران: موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زمینه‌های شکل‌گیری اسقف‌نشین‌های ... (فاطمه قملاتی و دیگران) ۲۴۱

- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸)، تاریخ ثعالبی مشهور به غرر اخبار ملوک فرس و سیرهم، پیشگفتار و ترجمه محمد فضائلی، تهران، قطره.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۸۱)، *اخبار الطوال*، ترجمه‌ی: محمود مهدوی دامغانی، چاپ پنجم، تهران: نی.
- رویدادنامه سریانی موسوم به رویدادنامه خوزستان [کتاب]: روایتی از آخرین سال‌های پادشاهی ساسانی / ترجمه و تعلیقات خداداد رضاخانی، سجاد امیری باوندپور. تهران: حکمت‌سینا، ۱۳۹۵.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران باستان کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، احسان یارشاطر و دیگران، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۳، قسمت اول، چاپ ۶، تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه* (۱۳۸۴)، براساس نسخه‌ی مسکو، چاپ چهارم، تهران: پیمان
- کولسنیکف، آ. ای (۲۵۳۵)، *ایران در آستانه یورش تازیان*، ویراستاران: ویگولفسکایا، ترجمه‌ی م. ر. یحیایی، تهران: آگاه.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳) *ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- میلز، و. م. (۱۹۳۱)، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، به‌مساعدت عباس آرین پور، تهران، اساطیر.
- میری، نگین، (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، مکان یابی ریواردشیر ساسانی و ریشهر سده‌های نخستین و میانه اسلامی، «*پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*»، ش ۱۰، دوره ۶، ۱۷۲-۱۶۱.
- نولدکه، ثئودور (۱۳۵۸)، *تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی عباس زریاب، تهران: انجمن آثار ملی
- وثوقی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، *علل و عوامل جابجایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

Acts of Symon A, ed. And tr.M.Kmosko, Patrologia Syriaca2.

Acts of Symon B, ed. And tr.M.Kmosko, Patrologia Syriaca2

Adams, R. Mc C. (1965), *The Land Behind Baghdad, The History Settlement in the Diyala Plains*, Chicago and London, The University of Chicago.

- Almutairi, M., (2011), *The Archaeology of Kuwait*, A Thesis Submitted in Fulfilment of Requirement for a Phd in Archaeology, Cardiff University.
- Beech, M., (2009), *Archaeology of the Late Pre-Islamic to Early Islamic Period with a particular focus on recent discoveries on Sir Bani Yas Island, Abu Dhabi Emirate*, Proceedings of the International History Conference on New Perspectives on Recording UAE History, Published by National Center for Documentation & Research, Abu Dhabi, UAE, 99-114.
- Bin Seray, H.M., (1996), Christianity in East Arabia. *Aram* 8, 315-332.
- Borjian, H., "KHARG ISLAND i. Geography," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2015, <<http://www.iranicaonline.org/articles/kharg-island-01-geography> >
- Boucharlat, R. & Salles, J.F, (1981), "The History and Archaeology of the Gulf from the fifth Century B.C. to the Seventh Century A.D.: A Review of the Evidence", Proceeding of the Seminar for Arabian Studies, Orient College, Oxford, Vol.11,65-94
- Buck, Ch., (1995), The University of the Church of the East: *How Persian was Persian Christianity? The Journal of the Assyrian Academic Society*, 10:1, 54-95.
- Carter, R.A., (2008), Christianity in the Gulf during the First Centuries of Islam, *Arabian Archaeology and Epigraphy*, Vol.19, 71-108.
- Chronicle of Seert*, Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq, (2013), Wood, Ph., edited by G. Clark & A. Louth, Oxford University Press.
- Elders, J., (2001) "The Lost Church of The Arabian Gulf: Recent Discoveries on the Islands of Sir Bani Yas and Marawah", Abu Dhabi, Emirate, U.A.E., *Proceeding of Seminar for Arabian Studies*, 31, 47-57
- Elders, J., (2003), *The Nestorians in the Gulf: just passing through? Recent Discoveries on the Island of Sir Bani Yas*, Abu Dhabi Emirate. Page 230-236 in D.T.Potts, H. Al-Naboodah & P. Hellyer (eds), *Archaeology of the United Arab Emirates. First International Conference on the Archaeology of the U.A.E.* London: Trident Press.
- Fry, R. N., (1984), *The History of Ancient Iran*, München.
- Friestad, K.H, (2016), Christianity in Bet Qatraye, *A Survey of Textual and Archaeological Sources to the Knowledge of Christianity in North-East Arabia and the Island of the Persian Gulf*, Thesis for MA degree, Norwegian School of Theology.
- Ghrishman, R., (1965), *The Island of Kharg*, 3rd printing, Oil Operating Companies, Tehran, Iran
- Hellyer, P., (2001), Nestorian Christianity in the Pre-Islamic UAE and South Eastern Arabia, *Journal of Social affairs*, Vol.18, Number 72, 79-98.
- Hellyer, P. (eds), (2003), *Proceeding of the first international conference on the archaeology of the United Arab Emirates, 230-236*. Abu Dhabi, Culture Foundation.
- Kennet, D., (2004), Excavation at the Site of Alqusur, Failaka, Kuwait, *proceeding of the 24th seminar for Arabian Studies Held at Oxford on 24th-26th July 1990*, Archaeo press, 97-112.

- Kennet, D. (2007), The decline of eastern Arabia in the Sasanian period, *Arabian Archaeology and Epigraphy* 18/1, 86-122.
- King, G.R.D., Elders, D., Dunlop, J., Garfi, S., Stephenson, A., Tonghini, C., (1995), A Report on the Abu Dhabi Islands Archaeological Survey (1993-1994), *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies*, Vol.25, 63-74.
- Labourt, J., (1904), *Le Christianisme L Empire Perse Sous la Dynastie sassanide(224-632)*, Deuxième Édition, Paris Libraire Victor leCoffre Rue Bonaparte90.
- Langfeldt, J.A., (1994), Recently discovered early Christian Monuments Northeastern Arabia, *Arabian Archaeology and Epigraphy*, Vol.5, Issue1, 32-60
- Patterson, L.E., (2017), Minority Religions in the Sasanian Empire: Suppression, Integration and Relations with Rome, *Faculty Research & Creative Activity* 238, 181-198
- Payne, Richard E., (2015), *A State of Mixture Christians, Zoroastrians and Iranian Political Culture in Late Antiquity*, University of California Press, Oakland, California.
- Potts, D.T., (1985), From Qade to Mazun Four Notes on Oman c.700 to 100A.D., *The Journal of Oman Studies*, Vol8, Part1, 81-95.
- Potts, D.T., (1992), *The Arabian Gulf in Antiquity*, 2Vols, Oxford.
- Potts, D.T., (1994), Nestorian Crosses from Jabal Berri, *Arab. Arch.epig.* 5, 61-65.
- Potts, D.T., (1997), Before the Emirates: an Archaeological and Historical Account of Development in the Region c.5000B.C. to 676A.D., Al Abed I, Hellyer P, editors. United Arab Emirates: a new perspective. London: Trident Press, 28-69.
- Sebeos, (1904), *Patmut iwn i Herakln*, ed. G. V. Abgaryan, Yerevan, 1979; tr. F. Macler as *Histoire d'Héraclius par l'évêque Sebèos*, Paris.
- Synodicon Orientale ou Recueil De Synodes Nestories*, Dapre's Le Ms. Syriaque 332 De La Bibliotheque Nationale Et Le Ms. K. VI,4Du, Musse Borgia, Á Rome, translated to French by J.B. Chabot, Paris, Imprimerie Nationale, 1930
- Theophanes, (1883-1885), *Chronography*, ed. C. de Boor, 2 vols., Leipzig.
- Whitehouse, A., Williamson, A., (1973), Sasanian Maritime Trade, *Iran*, Vol.II, 29-49
- Yule, P., Sasanian Presence and Late Iron Age Samad in Central Oman, Some Corrections, *Arabian Archaeology and Epigraphy*, Vol27, Issue1, 2017:1-10,